

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۱

صص ۳۴۱-۳۶۰

تأثیر رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح بر امنیت ملی و توان بازدارندگی (مطالعه موردی ایران)

مریم شهبازی^۱، دکتر فخرالدین سلطانی^{۲*}

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲- استادیار دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

با پیدایش و کشف انرژی هسته‌ای، مناسبات بین‌المللی که از قرون گذشته در چارچوب سنتی جنگ و صلح تعریف می‌گردید، وارد عرصه جدیدی شد و بالطبع با توجه به اینکه مناسبات بین‌المللی، با نظر به رشد روز افزون تکنولوژی، ارتباطات، وابستگی متقابل و اخیراً با توجه به غالب شدن گفتمان جهانی شدن بر عرصه نظام بین‌الملل، ضرورت قانون‌مندی، نظام مندی و نهادینگی تعاملات بین‌الملل و در واقع ایجاد اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تلافی دهنده علایق بازیگران، که به نوعی اساس و شالوده رژیم‌های بین‌المللی می‌باشند را آشکار ساخته است، لذا نهادینه شدن و قانون‌مندی در مهمترین عرصه و بعد نظام بین‌الملل که همانا بعد امنیتی آن بوده و بارزترین وجه آن امنیت هسته‌ای می‌باشد را آشکار ساخته است. در مقاله پیشرو به طور کلی با طرح این پرسش که «رژیم‌های کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح چگونه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟» به معرفی و بررسی رژیم‌های کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح از ابتدای شکل‌گیری آن می‌پردازیم و در ارتباط با آن الزامات امنیتی ایران را بررسی می‌کنیم. هدف از نوشتار فرارو آن است که چگونگی تأثیر رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای را بر امنیت ملی ایران و نیز چالش‌های ایران در ارتباط با رژیم یاد شده

* نویسنده مسئول fakhreddinsoltany@gmail.com

آشکار نماییم. روش این نگاه‌شسته توصیفی - تحلیلی می‌باشد و نتایج پژوهش حاکی از آن است که رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای با ماهیتی سیاسی در پی تأثیرگذاری جهانی است. این رژیم امنیتی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته و بازدارندگی (حتی بازدارندگی موشکی) ایران را، که تکیه‌گاه اصلی امنیت ملی کشور است، را می‌تواند با مشکل مواجه سازد.

واژگان کلیدی: رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای، امنیت ملی، فناوری، بازدارندگی

مقدمه

تحول تکنولوژی به کار برده شده در عرصه نظامی تغییرات گسترده‌ای در عرصه جنگ و امنیت کشورها داشته است و پیوسته به عنوان عامل مؤثری برای تحمیل دیدگاه‌های کشورهای قدرتمند و ابرقدرت‌ها به دیگر کشورها عمل کرده است. با گسترش تکنولوژی و قدرت نظامی، تسلیحات بسیار مخرب شد و افزایش جنگ‌ها، با قدرت انهدام کشتار گسترده، بنیان‌های اجتماعی و تمدن بشر را تهدید کرد. با ورود تکنولوژی‌های جدید جنگ‌ها بسیار پرهزینه و غیرعقلانی گردید. از سوی دیگر، کنترل و انحصار قدرت و تکنولوژی نظامی از دست قدرت‌های برتر خارج شد و دیگر کشگران نیز توان به کارگیری ابزار پیشرفته را برای تقویت قدرت نظامی خود و ایجاد بازدارندگی به کار بردند. در طول دهه‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای شده است تا با وضع قوانین و توافقنامه‌ها در عرصه‌های مختلف، نوعی اصول و قواعد رفتاری لازم الاجرا در صحنه بین‌المللی غالب گردد تا استخدام و به کارگیری تکنولوژی و تسلیحات را کنترل کند. تلاش قدرت‌ها آن بود تا رژیم‌هایی لازم الاجرا برای کشورها ایجاد شود و تخلف از آن‌ها با تبعات گسترده‌ای روبه‌رو گردد. کشورهای قدرتمند از این راه کوشیدند انحصار و برتری خود را تضمین کنند. رژیم حاکم بر فناوری و تسلیحات هسته‌ای نمونه مشخصی از نهادینه شدن این تبعیض به شمار می‌رود. امروزه، برای جبران نابرابری‌ها و تضمین بازدارندگی و توان ایفای نقش مؤثر و مستقل، موشک‌ها به ابزار مؤثری برای کشورهای همانند ایران تبدیل شده است. به موازات این پیشرفت، قانون یا رژیم قدرتمندی در این عرصه مستقر نشده است؛ به همین دلیل، تلاش‌های گسترده‌ای از طرف قدرت‌های بین‌المللی برای کنترل و گسترش توان هسته‌ای و حتی موشکی و به کارگیری آن در جریان است. آن‌ها می‌کوشند با تصویب قوانین الزام‌آور تلاش‌ها در این عرصه را تحت کنترل خود قرار دهند. در این نوشتار در تلاشیم تا ابعاد یکی از مهمترین این تلاش‌ها را بررسی کنیم.

کشورها با توسل به شیوه‌های گوناگون، از جمله افزایش مکانیسم‌های همکاری در قالب نهادهای بین‌المللی، گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیک یا ورود به پیمان‌های امنیتی، از یک سو، و تقویت توان دفاعی و اقتصادی، از سوی دیگر، می‌کوشند به ارتقای امنیت خود در نظام بین‌الملل مبادرت ورزند. دستیابی کشورها به تکنولوژی پیشرفته غالباً مورد توجه جامعه بین‌الملل بوده؛ به طوری که، در باب کشورهای توسعه‌یافته دستیابی به سطح بالای تکنولوژی، به ویژه تکنولوژی نظامی، باعث نگرانی کشورهای رقیب و رقابتی شدن عرصه امنیت و در باب کشورهای در حال توسعه باعث ایجاد مسابقه تسلیحاتی و نگرانی کشورهای توسعه یافته شده است.

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، جهان شاهد شکل‌گیری شمار زیادی از توافقات درباره سازوکارها و موافقت‌نامه‌های ملی دوجانبه و گروهی در زمینه اشاعه ندادن و کنترل صادرات برای جلوگیری از انتقال مواد، تجهیزات و تکنولوژی شیمیایی- میکروبی و هسته‌ای، سلاح‌های متعارف و اقلام موشکی بود که رژیم کنترل تکنولوژی موشکی هم یکی از این رژیم‌هاست. تعیین ساز و کاری مناسب برای جلوگیری از اشاعه موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای به دلیل اهمیت آن‌ها پیوسته مورد توجه بوده است؛ به طوری که، اگر این مهم را در نظر بگیریم که سلاح‌های هسته‌ای متشکل از دو عنصر مواد انفجاری هسته‌ای و تجهیزات پرتابی آن می‌باشند، می‌توانیم به اهمیت کنترل موشکی برای جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و جایگاه آن در خلع سلاح و کنترل تسلیحات و در حفظ امنیت پی ببریم (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴:۶۵).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه‌های گرانبها در هشت سال دفاع مقدس تلاش خود را بر استقرار نظام دفاعی- امنیتی مستقل و اتکالپذیر قرار داده است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقل و در حال پیشرفت و صنعتی شدن یکی از اهداف اصلی خود را ارتقای امنیت کشور با توجه به مؤلفه تکنولوژی در نظام بین‌الملل تعیین کرده است؛ به طوری که، ارتقای دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه تکنولوژی، از اهداف راهبردی کشور برای بازدارندگی و حفظ امنیت آن است و ایران نیز به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی، همانند دیگر کشورها، برای رشد و ارتقای سطح تکنولوژی و دانش هسته‌ای و موشکی و برای حفظ موجودیت و امنیت خود در مقابل تهدیدات نیاز به ارتباط با دیگر کشورها دارد. این امر به ناچار ایران را در مقابل رژیم کنترل تسلیحات هسته ای و همین‌طور تکنولوژی موشکی یا ام تی سی آر قرار می‌دهد. رژیم کنترل تسلیحات هسته ای و کنترل تکنولوژی موشکی به عنوان یکی از مهمترین ترتیبات سیاسی بین‌المللی موجود در زمینه موشکی و با هدف کنترل انتقالات بین‌المللی در این زمینه به امنیت کشورهای جهان،

به ویژه ایران، ارتباط پیدا می‌کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که این رژیم‌ها چگونه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟

چارچوب نظری: نظریه رژیم‌های بین‌المللی

نظریه رژیم‌های بین‌المللی از نیمه دهه ۱۹۷۰ از سمت دانشکده‌های شرق آمریکا و کانادا سر برافراشت. در واقع، رژیم‌های بین‌المللی ادامه بحث نهادگرایی لیبرال و نولیبرال می‌باشند. ریشه این تحلیل‌ها در همگرایی، وابستگی متقابل و کارکردگرایی است. نظریه رژیم‌ها نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که از سنت لیبرالی در روابط بین‌الملل مشتق شده و استدلال می‌کند که نهادهای بین‌المللی یا رژیم‌ها بر رفتار دولت‌ها تأثیرگذارند. نهادهای بین‌المللی بیشتر برای ایجاد ثبات و نظم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود می‌آیند. این نهادها اولاً، به دست صاحبان قدرت ایجاد می‌شوند، ولی به مرور زمان، برای خود ایجاد رویه کرده و خود نیز در کنار دولت‌ها به عنوان بازیگر مطرح می‌شوند؛ ثانیاً، به عنوان مکانیسم‌های همکاری بین دولت‌ها ایجاد اعتماد و امنیت کرده و به ثبات نظام بین‌الملل کمک می‌کنند؛ ثالثاً، رژیم‌ها با عوامل مختلف، که مهمترین آن‌ها قدرت است، تغییر می‌کنند (عسگرخانی، ۱۳۸۱: ۱۷۱). در واقع، ثبات نظام بین‌المللی و تغییراتی که در آن اتفاق می‌افتد مرکز اصلی نظریه رژیم‌ها را تشکیل می‌دهد.

براساس تعریف کراسنر رژیم‌های بین‌المللی مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری است که به واسطه آن‌ها توقعات بازیگران درباره حوزه مفروضی از روابط بین‌الملل به هم می‌گراید و خواست‌های بازیگران برآورده می‌شود (کیوان حسینی، ۱۳۸۹: ۲۳۱). در همین زمینه، درباره حوزه مفروض در روابط بین‌المللی رژیم‌های بین‌المللی از نظر موضوع، حیطه و قلمروی که به آن می‌پردازند به انواع مختلف رژیم‌های محیط زیست، رژیم‌های ارتباطی، اقتصادی و امنیتی تقسیم می‌شوند که با اهمیت‌ترین نوع آن‌ها رژیم‌های امنیتی است. یک رژیم امنیتی زمانی محقق می‌شود که عده‌ای از دولت‌ها برای کاهش زمینه‌های بروز جنگ به سازوکارهایی برای از بین بردن دفع بحران روی آورند. رژیم بین‌المللی امنیتی مجموعه‌ای از اصول قواعد و هنجارهایی است که اجازه می‌دهد کشورها در رفتار با بازیگران خویشان دار باشند. (قربانی و صالحیان، ۱۳۹۲: ۴۰).

از یک سو، در باب رژیم‌های امنیتی می‌توان گفت که رژیم‌ها الگوی اصلی تأمین و توسعه امنیت می‌باشند و به صورت متغیر مستقل و با نقش همکاری ظاهر خواهند شد. این رژیم‌ها در الگوهای سه

گانه موازنه قوا، اجتماع امنیتی یا هژمونی می‌توانند وجود داشته باشند که درباره رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای می‌توان به نقش هژمونیک امریکا در ایجاد و شکل‌گیری آن اشاره داشت. رژیم‌های امنیتی مختصات و کارکردهایی دارند، از این قبیل که می‌پذیرند بر نظام بین‌الملل هرج و مرج حاکم است و دولت‌ها ظرفیت اقدام در چارچوب سود مطلق را دارند؛ فریب و اغوا بزرگترین عامل ناامنی می‌باشد؛ آن‌ها هزینه رویگردانی را افزایش می‌دهند؛ سطح اجتماعی کردن بین دولت‌ها را بالا می‌برند؛ اصولی برای ایجاد مسئولیت به شمار می‌روند؛ بازی با حاصل جمع متغیر را تقویت می‌کنند و در نهایت، با هژمونی آرام توسعه می‌یابند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۴۲۰). رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای به عنوان رژیمی امنیتی سعی در ایجاد نرم‌ها و هنجارهایی در سطح جهانی دارد و از ابتدای شکل‌گیری مسئولیت، انتقال تکنولوژی هسته‌ای را بر عهده کشورهای عضو قرار داده و فشارهای سیاسی را نسبت به کشورهای خاطی اعمال می‌کند. این رژیم با مقررات داخلی، دستورالعمل‌ها و اعلامیه‌ها هزینه انتقال تکنولوژی به کشورهای غیر عضو را افزایش داده و سعی در ایجاد رویه بین‌المللی در زمینه انحصار آن را دارد.

از سوی دیگر، رژیم‌های امنیتی وقتی شکل می‌گیرند که گروهی از کشورها برای حل اختلاف‌ها و جلوگیری از جنگ با یکدیگر همکاری می‌کنند تا تنگنای امنیتی ناشی از اقدامات آن‌ها و درباره رفتارهای دیگران برطرف شود. از مهمترین رژیم‌های امنیتی می‌توان به معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی اشاره کرد. در این بین، رژیم کنترل تکنولوژی موشکی که برای کنترل تکثیر موشکی سلاح‌های کشتار جمعی، هواپیماهای بدون سرنشین و تجهیزات و فناوری‌های همراه آن، که وزن بالاتر از پانصد کیلوگرم و برد بیش از سیصد کیلومتر دارد، فعالیت می‌کند نیز وجود دارد. این رژیم در سال ۱۹۸۷ به صورت غیررسمی و داوطلبانه نوعی از موافقت‌نامه‌های چندجانبه کنترل صادرات را نشان می‌دهد که طی نگرانی‌های امنیتی امریکا و دیگر کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته موشکی برای مقابله با انتقال تکنولوژی موشک به کشورهای جهان سوم تشکیل شده است و می‌کوشد با ایجاد اعتماد و همکاری در زمینه تکنولوژی موشکی و انتقالات بین‌المللی موشک به ثبات بین‌المللی در این زمینه کمک کند و می‌توان گفت عامل اصلی در اعمال و تغییر آن تصمیمات کشورهایمانند امریکاست (Ramachandra, ۲۰۱۶: ۲۷).

در کل می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که نظریه رژیم‌ها به دلیل تصریح بر ماهیت رژیم‌های بین‌المللی می‌تواند بهترین نظریه برای بررسی رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای باشد. این نظریه می‌تواند در

شناخت ابعاد مختلف این رژیم و ماهیت آن، راه گشا باشد. به طور تقریبی، تمام عوامل مؤثر در تشکیل رژیم‌ها را می‌توان در رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای که عواملی مانند نفع شخصی کشورهای دارای این تکنولوژی که با قدرت سیاسی و دانش تکنولوژی خود ترتیبات و اصول آن را به وجود آوردند مشاهده کرد. در این پژوهش سعی بر این است که تأثیر اینگونه در رژیم‌ها را بر امنیت جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشته شود. یکی از مهمترین مفروضات نظریه رژیم این است که ثابت کند رژیم‌های بین‌المللی بر رفتار کشورها تأثیر می‌گذارند و قرابت بسیاری با فرضیه مقاله پیشرو دارد.

رژیم کنترل تسلیحات (هسته‌ای) و خلع سلاح

تاکنون بیشتر تلاش‌های انجام شده در باره کنترل تسلیحات هسته‌ای تنها به تعداد محدود دولت‌های دارای توانایی هسته‌ای نظامی، معطوف شده است. دو کنوانسیون جهان شمول این هدف را دنبال کرده‌اند:

الف: معاهده مسکو (۱۹۶۳) که برای دولت‌های متعهد، آزمایش‌های هسته‌ای را در فضای فراسوی جو و زیر آب یا در هر مکان دیگر، اگر باعث ریزش ضایعات رادیو اکتیو در خارج و درون سرزمین‌های تحت صلاحیت قضایی و یا سرزمین‌های تحت کنترل آن‌ها شده باشد، ممنوع می‌کند. امضاکنندگان این معاهده، انعقاد یک موافقت‌نامه چند جانبه درباره ممنوعیت کامل آزمایش‌های هسته‌ای و از جمله زیرزمینی را به عنوان یک هدف اضطراری اعلام کردند.

ب: معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، معروف به (NPT, ۱۹۶۸)؛ مطابق این معاهده، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند سلاح و دیگر امکانات هسته‌ای را به دولت‌های فاقد آن انتقال ندهند و در جهت کسب آن نیز، به آنان کمک ننمایند. دولت‌های فاقد این سلاح هم، به نوبه خود از دستیابی به آن خودداری کرده و نظام نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرند. در مقابل، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند تجهیزات لازم و داده‌های علمی و فنی را، به منظور استفاده مسالمت‌آمیز انرژی اتمی، برای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای فراهم آورند. اما این تعهدات نتایج مورد انتظار را نداشته و دولت‌های فاقد این سلاح در نخستین کنفرانس بررسی معاهده مذکور (۱۹۷۵)، علیه عمل کردن دولت‌های هسته‌ای در انجام تعهدهای خود در این زمینه، اعتراض نموده‌اند. شاید نگرانی دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای از خطرات انتقال تکنولوژی اتمی، یکی از دلایل این کنده بوده است. از جانب دیگر، دولت‌های فاقد این سلاح در

جهت دستیابی به نتایج موافقت‌نامه‌های مؤثر بین‌المللی که تضمین‌کننده استفاده از سلاح هسته‌ای است، تلاش زیادی می‌ورزند. این موضوع به تضمین‌های منفی معروف است که از سال ۱۹۷۹ و از کنفرانس خلع سلاح، در قلب مذاکرات جای داشته، ولی با وجود قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی در این مورد، نتیجه مثبتی از آن گرفته نشده است. یکی از ضعف‌های N.P.T آن است که نسبت به الزام دولت‌هایی که آن را تصویب نمی‌کنند، اقدام نمی‌کند. چندین دولت دارنده سلاح هسته‌ای (فرانسه، چین و احتمالاً هند) و نیز دولت‌های متعددی که دانش لازم جهت دستیابی سریع به این سلاح را دارند، مثل آفریقای جنوبی، آرژانتین، برزیل، کره، مصر، اسپانیا، اسرائیل و پاکستان، مدت طولانی از پیوستن به معاهده N.P.T خودداری کردند و برخی همچنان خودداری می‌کنند، اگر چه گاهی عنوان کرده‌اند که مفاد آن معاهده را قبول دارند (بلوچی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

اما در مورد مهمترین اقدام‌های خلع سلاح در گستره جهانی باید از کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی نام برد که پس از مدت‌ها، در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس خلع سلاح در ژنو تصویب شد، و در اجلاس پاریس (۱۹۹۳) به امضای کشورهای مختلف رسید. از ویژگی‌های این کنوانسیون که در زمینه خلع سلاح، کنوانسیون نمونه قلمداد می‌شود، بازرسی اتهامی است که هر دولت متعهد می‌تواند به آن متوسل شود. به عبارت دیگر، صرف اتهام دولتی به دولت متعهد دیگر، مبنی بر اقدام به ساخت سلاح شیمیایی، موجب بازرسی فوری در محل خواهد شد. همچنین، در این زمینه باید از معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (C.T.B.T ۱۹۹۶) که برای الحاق همه دولت‌ها تأسیس شده است، نام برد (شبهان، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

اما اساساً از نظر سیاسی و فنی، گام قاطع در زمینه کنترل خلع سلاح، با موافقتنامه ۱۹۷۶ واشنگتن برداشته شد که در مورد موشک‌های هسته‌ای زمین به زمین مستقر در اروپا (Euromissiles) سخن می‌گوید. البته مهمترین موافقتنامه‌ها، در مورد محدودیت سلاح‌های راهبردی (سالت) منعقد شده است. موافقتنامه‌های سالت ۱ منعقد شده در ۲۶ می ۱۹۷۲ و تکمیل شده در ۱۹۷۴ امروز لازم الاجرا نیست، اما همچنان رعایت می‌شود. موافقتنامه‌های سالت ۲ در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۹ امضا شده است، اما سنای آمریکا آن‌ها را تصویب نکرده است، در حالی که موافقت‌نامه‌های سالت ۱ محدود ساختن دقیق سلاح‌های تهاجمی راهبردی را مدنظر داشته، و موافقتنامه‌های سالت ۲، سقف نسبتاً بالایی را برای تسلیحات و هواپیماهای تهاجمی مخصوص حمل مواد هسته‌ای پذیرفته بود. موضوع این موافقتنامه بیشتر در زمینه حفظ و نگهداری پیشرفت‌ها و نوگرایی تسلیحات بوده است تا در زمینه کاهش تسلیحات موجود. مذاکرات مربوط به کاهش سلاح‌های هسته‌ای میان برد و کوتاه برد (F.N.I) سبب

کند شدن واقعی مسابقه تسلیحات هسته‌ای در اروپا (کنوناسیون ۱۹۸۷) و نیز کاهش واقعی سقف تسلیحات تهاجمی راهبردی و سلاح‌های شیمیایی شده است. موافقتنامه‌های جکسون هال در سال ۱۹۸۹ و موافقتنامه S.T.A.R.T در سال ۱۹۹۱، کاهش میانگین ۳۰ درصد تسلیحات هسته‌ای تهاجمی با برد بلند دو قدرت بزرگ را تا سال ۲۰۰۰ تثبیت می‌کند.

مفهوم بازدارندگی^۱ و جایگاه آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران موقعیت راهبردی و امنیتی ویژه‌ای دارد. مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر این وضعیت منحصر به فرد را ایجاد کرده است. جهان‌بینی، فرهنگ، نوع نظام سیاسی، موقعیت جغرافیای سیاسی، شعارهای انقلاب مبنی بر استقلال و تاریخ، به ویژه تجربه هشت سال دفاع مقدس، نداشتن متحد استراتژیک، تنوع دشمنان و رقبای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ... هر کدام در شکل‌گیری فرهنگ دفاعی و امنیتی ویژه ایران تأثیر گذاشته‌اند. اندیشیدن درباره نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری امنیتی و دفاعی ایران است، اما تهدیدهای متوجه ایران افزون بر بعد منطقه‌ای، ابعادی فراتر از منطقه نیز دارد که به سیاست‌گذاران ایرانی آموخته است که در رهنامه (دکترین) دفاعی خود، هم منطقه‌ای و هم جهانی ببینند.

در این محیط راهبرد ویژه بازدارندگی عنصر کلیدی امنیتی و دفاعی ایران بوده است و موفقیت و کارآمدی این رویکرد در طول ۳۹ سال گذشته توانسته امنیت ایران را در فضای غبارآلود و پرتنش منطقه حفظ کند. تهدیدات مدام دشمنان متنوع و بسیج توانمندی‌های آن‌ها و تلاش برای به کارگیری گزینه نظامی علیه ایران و نابودی و تغییر رژیم در ایران با تأثیر بر تغییر رفتار ایران به دلیل منطق، قدرت، تأثیرگذاری و موفقیت راهبردهای بازدارندگی به نتیجه نرسیده است. راهبردهای الگوی بازدارندگی با توجه به هدف بازدارندگی، که منصرف کردن دشمن از حمله احتمالی است، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از: راهبرد تهاجمی و تدافعی. در راهبرد تهاجمی بازی‌های راهبردی مبتنی بر تهدید متقابل شکل خواهند گرفت اما در راهبرد تدافعی، هدف حفاظت از سیستم سیاسی یا منطقه‌ای است به گونه‌ای که، در برابر حملات دشمن، بقای آن تضمین گردد و دشمن را به این نتیجه رهنمون نماید که حتی در صورت جمله به آن کشور یا منطقه قادر به تسلیم کردن آن نیست و در نهایت، حمله هزینه بیشتری نسبت به دستاوردها دارد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). تجربه ایران در جنگ تحمیلی نیز عامل مهمی در تأکید بر بازدارندگی بوده است. سیاستمداران ایران معتقد

۱. Deterrence

بودند که عراق وقتی به ایران حمله کرد که هرج و مرج حاکم بر کشور پس از انقلاب، پاکسازی نیروهای مسلح و از دست رفتن حمایت سیاسی - نظامی قدرت‌های بزرگ از ایران این توهم را در ذهن رهبران عراق ایجاد کرد که توان بازدارندگی نیروهای مسلح ایران به شدت کاهش یافته است. بنابراین، غلبه به ایران را حتمی می‌دانستند. در طول جنگ و پس از آن یکی از اقداماتی که برای افزایش توان بازدارندگی نیروهای مسلح اتخاذ شده، تجهیز مجدد به جنگ افزارهایی نوین بود که یکی از مهمترین این جنگ افزارها موشک‌ها می‌باشند (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۰). بنابراین، در طول دهه‌های اخیر راهبرد امنیتی ایران بر مبنای بازدارندگی شکل گرفت و موشک‌ها نقش تعیین کننده‌ای در این رهیافت و در نتیجه، تامین امنیت ایران برعهده گرفتند.

در واقع، اتخاذ الگوی بازدارندگی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، ظرفیت‌های نظامی ایران را در مسیر اتخاذ راهبرد تدافعی و همچنین، تامین امنیت ملی ایران برجسته می‌کند. در واقع، توانایی ایران در زمینه‌های هسته‌ای، نظامی و همین‌طور موشکی، توانایی بازدارندگی بیشتری را به آن خواهد داد و می‌تواند تامین کننده منافع و امنیت ملی کشور در این حوزه شود و موشک عامل مهمی در تامین این هدف امنیت ملی ایران به شمار می‌رود و هم اکنون نیز جدال مهمی بر سر نابودی آن در بین کشورهای غربی آغاز شده است (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۴).

جنگ عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس نشان داد که محدودیت‌های موجود در معاهدات بین‌المللی در زمینه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و منع استفاده از ابزارهای نظامی علیه شهروندان غیرنظامی مانع از استفاده عراق از این سلاح‌ها نشده و جامعه بین‌المللی نیز اقدامی جدی در این زمینه انجام نداده است. افزون بر این، جنگ‌ها نقش بسیار بالای موشک‌ها را در نبردهای آینده نشان دادند. (پورآخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

شرایط منطقه‌ای ایران بعد از فروپاشی شوروی و حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران و تهدیدات رژیم صهیونیستی اتخاذ رویکرد خوداتکایی دفاعی را در مقابل تهدیدات خارجی برای کشور گزینه اجتناب‌ناپذیر کرد. این امر با بومی‌سازی تکنولوژی از جمله هسته‌ای و موشکی تحقق یافت و با توجه به انتخاب بازدارندگی به عنوان راهبرد دفاعی اصلی ایران در فرآیند نوسازی و مدرن‌سازی صنایع نظامی، بر کسب و ارتقای تکنولوژی موشکی نیز بسیار تأکید شد (Biswas, ۲۰۱۶: ۲۳).

جمهوری اسلامی ایران و رژیم کنترل تسلیحات و خلع سلاح

پس از کشمکش‌های فراوان و فشار کشورهای غربی، از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان، قطعنامه شورای امنیت علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ در شورای امنیت و به اتفاق آرا پانزده کشور عضو به تصویب رسید.

در بندهای سه و چهار این قطعنامه، تمام کشورها از عرضه و فروش تمام اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌های سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای به جمهوری اسلامی ایران منع شده‌اند. همچنین، براساس بند هفت قطعنامه، جمهوری اسلامی ایران از صادرات این موارد به دیگر کشورها منع شده است. و به ضمیمه S/۲۰۰۶/۸۱۵ اشاره شده است. این ضمیمه شامل معیارهای کنترل صادرات اقلام، مواد، تجهیزات و فناوری مرتبط با موشک می‌باشد که عیناً ضمیمه رژیم کنترل فناوری موشکی بوده است. این ضمیمه شامل بیست رده بوده که هر یک از رده‌ها به سیستم‌های کامل یا مجموعه‌های مختلف موشک، از جمله مجموعه‌های سوخت و پيشرانش، تجهیزات پرتاب و پشتیبانی زمینی، دیگر مجموعه‌های مختلف مرتبط با موشک و فناوری مرتبط با آن‌ها اختصاص داشته است که ایران خواه ناخواه، براساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع رژیم کنترل تکنولوژی موشکی هم نیز بوده است؛ بنابراین، به وضوح تأثیر این رژیم امنیتی بر امنیت ملی ایران را می‌توان ابراز داشت. عنوان پژوهش پیشرو نیز دلالت بر این امر دارد و در نتیجه، رویکردی که جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم یاد شده داشته و دارد، یکی از مهمترین تصمیمات امنیتی آن است. به عنوان مثال، ایران به عنوان کشوری که جزو ترتیبات رژیم کنترل تکنولوژی موشکی نیست، تا به حال از پذیرش آن ممانعت داشته و تلاش‌های بسیاری برای خنثی سازی کارکرد آن در نظام بین‌الملل انجام داده است؛ به طوری که، به طور چشمگیری از اهمیت این رژیم کاسته شده و توانسته است جدا از این رژیم به پیشرفت‌های قابل ملاحظه در زمینه تکنولوژی موشکی، موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز و پهبادها دست یابد. این امر با توجه به موقعیت ژئواستراتژیکی ایران، برای امنیت ملی آن اهمیت بسیاری دارد. این رویکرد ایران، با توجه به خواست ایالات متحده برای استفاده ابزاری از رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای، در مسیر ایجاد محدودیت‌هایی برای توسعه دفاعی و عدم پیشرفت تکنولوژیکی جمهوری اسلامی ایران در صنعت موشکی، به ویژه در حوزه صنایع هوا-فضا، و اعمال تحریم‌های دو جانبه و چند جانبه خارج از این رژیم در راستای منافع و امنیت ملی ایران ارزیابی می‌شود. بنابراین، ایران بارها در مجامع بین‌المللی به مخالفت صریح با این رژیم برخاسته و کوشیده است ترتیبات بین‌المللی عادلانه‌تری را در این زمینه ارائه دهد. (Christie, ۲۰۱۶: ۹)

ابعاد تأثیرگذاری رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

باتوجه به ارزیابی‌های پیش‌شگفته در ارتباط با رژیم کنترل تکنولوژی موشکی و بررسی‌های صورت گرفته در ارتباط با امنیت جمهوری اسلامی ایران، می‌توان برخی از ابعاد مهم تأثیر رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح را بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در موارد زیر خلاصه کرد:

ابعاد تکنولوژیک

باتوجه به پیشرفت فناوری و کاربرد آن در تأمین امنیت ملی برای کشورهایی که می‌خواهند در صحنه رقابت جهانی حضور داشته باشند، نمی‌توان تأثیر عدم دسترسی به فناوری را بر امنیت نادیده گرفت. تلاش برای افزایش توانمندی نظامی و دفاعی کشور، بی‌شک یکی از مهمترین محورهای راهبرد نظامی هر کشور مستقلی از جمله جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات است که به طور کامل، پیشتر بررسی شد. بدین منظور، پس از انقلاب اسلامی تاکنون، تلاش‌های مهمی، از جمله تلاش برای افزایش توان دفاعی و آمادگی نیروها، طراحی برنامه‌های کلان برای ساخت تسلیحات در داخل با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده و کسب آموزش‌های حرفه‌ای و پیشرفته انجام شد که در این زمینه، برنامه‌ریزی برای دستیابی به فناوری موشک‌های پیشرفته مهمترین محور تلاش‌های ایران در زمینه افزایش ضریب امنیت دفاعی بوده است. (momtazznews.com, ۱۳۹۵)

از طرف دیگر، مثلا رژیم کنترل تکنولوژی موشکی به عنوان ترتیباتی که هدفش جلوگیری از دستیابی دیگر کشورها به تکنولوژی حمل سلاح‌های کشتار جمعی با موشک است، سازوکارهایی برای کنترل صادرات موشک ایجاد کرده است تا کشورهایی در حال پیشرفت نتوانند به تکنولوژی پیشرفته موشک‌های بالستیک، هواپیماهای بدون سرنشین، موشک‌های کروز و وسایل حمل آن‌ها دست پیدا کنند. کشورهای عضو این رژیم با تکیه بر کنترل بعد تکنولوژیک موشک‌ها، که از عنوان آن هم به خوبی برداشت می‌شود، می‌کوشند تکنولوژی پیشرفته موشکی را به دلایل نظامی-امنیتی در دست خود نگه دارند و با نظارت بر کنترل صادرات آن به کشورهای هدف بتوانند امنیت فناوری کشورهای یادشده را به خطر بیندازند؛ به طوری که، از عملکرد تبعیض آمیز رژیم هم می‌توان استنباط کرد که جمهوری اسلامی ایران تاکنون هدف اصلی رژیم برای منع دستیابی به تکنولوژی

موشکی و هسته‌ای بوده است و این رژیم امنیتی نتوانسته مانع فعالیت‌های موشکی ایران بشود، ولی هزینه‌های دستیابی کشور را به این نوع تکنولوژی بسیار بالا برده است (م، خ، ۱۳۹۵).

دوباره نیز تاکید می‌کنم که با توجه به اهدافی که در اصول اینگونه رژیم‌های امنیتی می‌باشد (از جمله جلوگیری و عدم دستیابی کشورها به تکنولوژی‌های پیشرفته به خصوص در بعد نظامی) و با توجه به اینکه تکنولوژی موشکی جایگاه ویژه‌ای در امنیت ملی ایران دارد؛ به طوری که، نقطه‌اتکای مهمی از توانایی ایران در مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. در کل، رژیم کنترل تسلیحات با ماهیتی که در کنترل تکنولوژی و جلوگیری از دستیابی کشورهای جهان سوم به فناوری‌های پیشرفته دارد، می‌تواند بر امنیت جمهوری تأثیر منفی بگذارد و ایران هرچه بیشتر موضوع اینگونه رژیم قرار بگیرد، برای دستیابی و ارتقای تکنولوژی خود باید هزینه بیشتری بپردازد و امنیت آن بیشتر در مخاطره قرار می‌گیرد.

ابعاد دفاعی

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در پی حفظ امنیت داخلی و منطقه‌ای، برنامه موشک‌بالیستیک خود را از دوران دفاع مقدس و جنگ هشت ساله میان ایران و عراق، زمانیکه برتری هوایی عراق، ایران را در حملاتی با برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر محدود کرده بود، آغاز کرده است. در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی تهران به توسعه برنامه موشکی بومی پرداخت و طی دو دهه این ظرفیت را به خوبی افزایش داد. البته، ایران، هم موضوع رژیم کنترل تکنولوژی موشکی است و هم در معرض تلاش‌های بین‌المللی برای محدود کردن گسترش تکنولوژی موشکی با کاربرد دوگانه قرار گرفته است.

در واقع، حرکت به سوی خودکفایی در زمینه دفاعی حرکتی است که با انگیزه حفظ استقلال سیاسی در برخی کشورها من جمله جمهوری اسلامی ایران دنبال شده که علیرغم برخی هزینه‌ها آثار فوق‌العاده مثبتی در حفظ امنیت و استقلال را نیز در پی داشته است. هر چند که تحمیل تحریم‌ها و رژیم‌های کنترل صادرات امنیت ملی برخی کشورها را با مشکلاتی در مسیر حرکت دفاعی روبرو کرده است، اما برای تامین امنیت و تحقق هدف خودکفایی و استقلال سیاسی، امری اجتناب ناپذیر است.

ابعاد سیاسی

مشکل کشورهای در حال پیشرفت تنها موانع و محدودیت‌های مالی، فنی و صنعتی بر سر راه تولید سلاح‌های دفاعی نیست، بلکه موانع سیاسی هم در این زمینه نقش عمده‌ای دارند. در واقع، برخلاف کشورهای پیشرفت، کشورهای در حال توسعه حق ندارند هر سلاحی را که می‌خواهند به دست آورند و هر تکنولوژی را که مناسب و دلخواه تشخیص دهند، منتقل سازند، چرا که ممکن است امنیت و ثبات بین‌المللی یا منافع جهان پیشرفته را تهدید کنند.

در واقع، در حالی که از نظر بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت مشکل این است که بسیاری از تکنولوژی دور از دسترس و صعب الوصول هستند، از نظر غربی‌ها مشکل این است که این تکنولوژی‌ها، بیش از اندازه برای جهان سومی‌ها سهل الوصول شده است. به همین دلیل، مقررات ملی و رژیم‌های کنترلی بین‌المللی مختلفی برای محدود کردن دسترسی کشورهای در حال توسعه به تسلیحات و تکنولوژی پیشرفته ایجاد می‌شود، مانند رژیم، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، رژیم کنترل تکنولوژی موشکی و کمیته هماهنگ کننده کنترل‌های صادراتی چند جانبه اقلام ممنوع در اینگونه رژیم‌ها گاه اقلامی هستند که سلاح‌های اساسی و بازدارنده به شمار می‌روند. مانند مین، موشک: یعنی سلاح‌های که چه به لحاظ تاثیرات نظامی در مجموعه صحنه درگیری بین جهان سومی و کشور پیشرفته، چه از نظر سطح تکنولوژی و چه از نظر دسترسی‌پذیری به آن، بیشترین صرفه را دارند. این ممنوعیت از دو جنبه بر سیاست تکنولوژی دفاعی کشورها تاثیر می‌گذارد: جنبه نخست، محدود کردن دسترسی این کشورها به تسلیحات و تکنولوژی مورد نظر و جنبه دوم، پرهزینه کردن دستیابی به این اقلام پس از دستیابی به آن‌هاست. سیاست‌گذاران جهان سومی نیز باید همزمان درباره دو موضوع متناقض تصمیم‌گیری کنند: نخست اینکه ممکن است با این فکر که چون دسترسی به برخی اقلام تکنولوژی و تسلیحات حیاتی ممکن است، با مقررات کنترل حال یا آینده از بین برود، کسب توانایی تولید آن را در اولویت قرار دهند، مانند تکنولوژی موشک زمین به زمین، دوم، اینکه سرمایه‌گذاری روی این سلاح‌ها ممکن است با چنان واکنش بین‌المللی رو به رو شود که هزینه سیاسی بعدی از فایده دستیابی به آن سلاح و تکنولوژی تولید آن اهمیت بیشتری پیدا کند. می‌توان گفت که انتخاب بین این دو تصمیم، یکی از مشکل‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در سیاست تکنولوژی دفاعی جهان سومی‌هاست. (حسنی، ۱۳۷۶: ۴۲).

برای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کشوری در حال پیشرفت، سیاست دستیابی به تکنولوژی دفاعی برای حفظ و تامین امنیت ملی ضروری بوده و لذا آن را مدنظر قرار داده است. بنابراین،

رژیم‌هایی مانند رژیم کنترل تکنولوژی موشکی که از اجزای رژیم کنترل تسلیحات و خلع سلاح می‌باشد، هزینه دستیابی و ارتقای تکنولوژی موشکی را برای ایران مشکل می‌کند. هر چند به لحاظ هزینه - فایده با دستیابی ایران به تکنولوژی موشکی در ابعاد مختلف باعث افزایش ضریب امنیت ملی ایران شده است. اما دستیابی ایران به موشک‌های پیشرفته با واکنش بین‌المللی همراه بود که در ضمیمه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، ضمیمه رژیم کنترل تکنولوژی موشکی به کار رفته بود. پس از توافق در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و اجرایی شدن برجام نیز شورای امنیت به الحاق قطعنامه‌ای، سعی در کنترل و از بین بردن فعالیت‌های موشکی ایران دارد.

ابعاد استراتژیک

با ظهور سلاح‌های هسته‌ای به عنوان سلاح راهبردی در عرصه رقابت‌های نظامی، تلاش برای ساخت وسایل حمل کننده آن جایگاه مهمی در صنایع نظامی یافت. اگرچه بمب افکن‌های سنگین نیروی هوایی امریکا نخستین وسایل پرنده‌ای بودند که بمب‌های اتمی را بر شهرهای ژاپن فروریخت، ولی این وسایل برای رسیدن به اهداف خود با موانع زیادی، از جمله شرایط جوی و بعد مسافت پدافند ضد هوایی کشور هدف روبه‌رو بوده و هستند. از این رو، از همان نخستین دهه ۱۹۵۰، دو ابرقدرت برآمده از جنگ جهانی دوم موشک را به عنوان بهترین وسیله حمل سلاح هسته‌ای برگزیدند و تلاش خویش را معطوف توسعه آن کردند. ظهور موشک، به ویژه موشک‌های بالستیک دوربرد، به عنوان سلاحی مهار ناشدنی امریکا و شوروی و سپس، دیگر کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای را وادار به اندیشیدن به دفاع در برابر این پدیده کرد که حاصل آن توسعه سامانه‌های دفاع موشکی بود. این فرایند این موضوع را در پی داشته است که می‌توان به این نتیجه رسید، تا زمانی که سلاح هسته‌ای و موشک وجود دارد، مسئله دفاع موشکی نیز مطرح خواهد بود (بشری، ۱۳۹۴: ۸۹).

شایان ذکر است که با توجه به موقعیت سرزمینی ایران، داشتن موشک شاید تنها ابزار راهبردی در جنگ‌های منطقه‌ای باشد که کارکرد خود را در جنگ‌های دهه‌های اخیر منطقه غرب آسیا به وضوح نشان داده است؛ چنانکه در جنگ ایران و عراق، در مرحله‌ای که از آن به عنوان جنگ شهرها یاد می‌کنند، از موشک‌های بالستیک نوع اسکاد بسیار استفاده شد و در نهایت، به دنبال تخریب و ویرانی بسیاری که در این مرحله به بار آمد، جنگ پایان یافت و این امر اثر تعیین کننده موشک‌ها در جنگ را نشان داد. بنابراین، جمهوری اسلامی دفاع موشکی را به عنوان گزینه‌ای گریزناپذیر در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود می‌داند.

نتیجه گیری

ایران در منطقه‌ای بسیار خطرناک واقع شده است. دشمنان و رقبای مختلفی در این منطقه به توسعه اغراض خود مشغول هستند و پیوسته ایران را تهدید می‌کنند. این کشورها در عرصه نظامی میلیاردها دلار سرمایه گذاری کرده‌اند و از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های موجود بهره برداری می‌کنند. تنها بودجه نظامی یکی از این کشورها بیش از پانزده برابر ایران است. بیشترین میزان صادرات تجهیزات نظامی به منطقه غرب آسیا صورت می‌گیرد و ایران تنها یک درصد واردات نظامی منطقه را به خود اختصاص داده است. همچنین، تجربه هشت سال دفاع مقدس، به عنوان یک تجربه اتکاپذیر، برای ایران این درس سرنوشت ساز را داشته است که برای دفاع و امنیت خود نمی‌تواند به هیچ قدرت، قاعده و اصل یا نهادی خارج از توانایی خود اتکا کند و این خوداتکایی امنیتی بخش تعیین کننده فرهنگ دفاعی ایران شده است. ایران در این محیط خطرناک و با توجه به فرهنگ دفاعی، امنیت خود را بر مبنای بازدارندگی قرار داده است. ویژگی‌های تکنولوژیک موشک‌ها نیز نقش اصلی را در رویکرد بازدارنده ایران بر عهده دارند. هرگونه تلاش و اقدام بالفعل و بالقوه برای صدمه به توان موشکی یا کنترل آن در قالب رژیم‌های امنیتی یاد شده به معنای خلع سلاح کردن ایران و در نتیجه، تسلیم در مقابل تهدیدات متنوع به شمار می‌رود. که اثرات غیر قابل جبرانی به همراه دارد. که می‌بایست مد نظر مسئولین سیاسی - دفاعی قرار گیرد.

ایران با دغدغه‌های ویژه امنیتی، بارها موضوع ترتیبات رژیم‌های یاد شده قرار گرفته است. ایران از جمله کشورهایی است که برای مقابله با تهدیدات ملموس و دشمنان خود، راهبرد بازدارندگی و ارتقای فناوری نظامی را اتخاذ کرده و تاکنون توانسته است با کمک این دکترین، امنیت خود را در منطقه آشوب‌زده غرب آسیا حفظ و ارتقا دهد.

جمهوری اسلامی ایران تاکنون از اعضای اصلی تمام رژیم‌های عدم اشاعه می‌باشد و این مقررات جهان شمول را با عضویت در ترتیبات بین‌المللی مانند ان پی تی، سی دیلو سی، بی دبلیو سی و ... ثابت کرده است. حال این کشور خود را در صحنه بین‌المللی با ترتیبات کنترل صادراتی رویه رو می‌بیند که به بهانه تکمیل رژیم‌های عدم اشاعه، انجمن‌هایی را تشکیل داده اند تا جریان صدور کالاهای اساسی و تکنولوژی‌های حساس را به کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه یافته کنترل کرده یا از بین ببرند.

این در حالی است که ایران دستیابی به بسیاری از موارد تحت کنترل رژیم‌های کنترل صادرات را حق خود و برای حفظ امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود لازم می‌داند. ایران از جمله کشورهایی است

که دستیابی به تکنولوژی‌های حساس را بومی کرده و با اتکا به نیروی داخلی خود در پی ارتقای فناوری در کشور می‌باشد و موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه به دست آورده است. ایران اکنون به قدرتی موشکی در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است و حال با توجه به موقعیت راهبردی خود در منطقه و خلیج فارس، می‌تواند اسباب تغییر رویکرد خود را، همگام با منافع ملی خود فراهم کند.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- ۱- احمدی، محمد و سید محمود شریفی (۱۳۸۳)، رژیم کنترل تکنولوژی موشکی، فصلنامه صنایع هوافضا، ش ۶.
- ۲- ولسوسکی، ریزرد (۱۳۸۳)، بازدارندگی در امنیت ملی کشورهایی با اندازه متوسط، ترجمه عبدالمجید حیدری، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق، ش ۱۰.
- ۳- بشری، اسماعیل، (۱۳۹۴)، مسئله تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ «همشهری دیپلماتیک»، ش ۸۸.
- ۴- حجت زاده، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، تحول جایگاه امنیت نظامی و ابزارهای آن در تأمین امنیت، فصلنامه امنیت ملی، ش ۱.
- ۵- حسینی، حسین، (۱۳۷۶)، مسائل اساسی سیاست تکنولوژی دفاعی در جهان سوم، مجله سیاست دفاعی، ش ۲۰.
- ۶- دهقانی غلامحسین، (۱۳۸۸)، رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات و امنیت ملی کشورهای درحال توسعه (تأملی بر وضعیت جمهوری اسلامی ایران)، پایان‌نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۷- روشندل، جلیل، (۱۳۷۴)، مفهوم امنیت جدید جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- ۸- ساعد، نادر، (۱۳۸۶)، تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، ش ۵۹.
- ۹- طارمی، کامران، (۱۳۸۲)، تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۹.
- ۱۰- ظریف، محمدجواد و مصطفی زهرانی، (۱۳۸۴)، روندهای جدید بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۱- عباسی، ابراهیم و دیگران، (۱۳۹۵)، الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ش ۱۷.
- ۱۲- عبدالحانی، علی، (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر

- ۱۳- عسگرخانی، ابومحمد و محمدرضا حق‌شناس، (۱۳۹۰)، تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۹، ش ۳۳.
- ۱۴- عسگرخانی، ابومحمد، (۱۳۸۱)، نظریه رژیم‌های بین‌المللی، «فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۷.
- ۱۵- علا، عیسی و عبدالحسین حجت زاده، (۱۳۸۲)، انگیزه‌های پنهان گسترش موشکی، گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی - راهبردی، ش ۲۱.
- ۱۶- غریب آبادی، کاظم، (۱۳۸۱)، آشنایی با معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، تهران: معاونت همکاری‌های دفاعی و امور بین‌الملل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- ۱۷- قربانی، ارسلان و تاجالدین صالحیان، (۱۳۹۲)، تأثیر سیاست بین‌الملل بر رژیم‌های بین‌المللی: بررسی انتقادی، N.P.T "فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، ش ۱.
- ۱۸- قوام ملکی، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، ش ۳.
- ۱۹- کدام کشورها بیشترین توان موشکی دنیا را دارند؟ (۱۳۹۵)، قابل دسترسی در: www.bartarinha.ir
- ۲۰- کریمی پور، یدالله، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴.
- ۲۱- کریمی کشه، سعید، (۱۳۷۸)، مقایسه دیدگاه‌های امنیتی امریکا و روسیه (از پایان جنگ سرد تا زمان حال)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۲۲- کیوان حسینی، سیداصغر، (۱۳۸۹)، جایگاه رژیم امنیتی منع اشاعه در سیاست خارجی امریکا (۲۰۰۷-۱۹۴۹)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش ۲.
- ۲۳- لیتل، ریچارد، (۱۳۷۹)، رژیم‌های بین‌المللی، ترجمه حسین محمدی نجم، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۲۴- مالمریان، حمید، (۱۳۸۸)، فناوری فضایی و نقش آن در امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۷، ش ۲۶.
- ۲۵- محمد، عباسی، (۱۳۹۱)، اقدامات مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات امنیتی ایالات متحده امریکا (۲۰۱۰-۲۰۰۱)، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲۶- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، «تهران: انتشارات سمت.

۲۷- نصیری، موسی، (۱۳۹۳)، الزامات بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از رهیافت توان

موشکی، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php>

۲۸- یوسفی قه‌ی، حسین، (۱۳۷۶)، رژیم‌های بین‌المللی و رژیم‌های امنیت، پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

منابع انگلیسی:

۲۹- Cordesman, Anthony H, (۲۰۰۲), Strategic threats and national missile defenses, Westport, Connecticut, Praeger Publishers.

۳۰- Henshaw, John H, (۱۹۹۳), the Origins of Cocom: Lessons for Contemporary Proliferation Control Regimes, the Henry L. Stimson Center.

۳۱- Krasner, StephenD, (۱۹۸۲), Structural causes and regime consequences: regime as intervening variables, International Organization, available at: www.rochelleterman.com.

۳۲- Lambakis, Steven, (۲۰۰۷), Missile Defense from Space, Policy Review, <http://www.nipp.org/wpcontent/uploads/۲۰۱۴/۱۱/۱۴۱LambakisOffprint۱>.

۳۳- MARTA, Lucia, (۲۰۱۰), The Hague Code of Conduct Against BallisticMissile Proliferation: Lessons Learned for the European Union DraftCode of Conduct for Outer Space Activities, European Space Policy Institute, (ESPI), available at: <https://www.frstrategie.org>

۳۴- Ozga, DeborahA, (۱۹۹۴), AChronology of the Missile Technology Control Regime, the Nonproliferation Review, www.nonproliferation.org

۳۵- Oznobishev, Sergey, MISSILE PROLIFERATION AND MISSILE TECHNOLOGIES, International Commission on Nuclear Non-proliferation and Disarmament, available at: <http://www.icnnd.org>

۳۶- United States Government, (۲۰۱۵), Missile Technology Control RegimeAnnex and Handbook, [HTTP://MTCR.INFO](http://MTCR.INFO)

۳۷- United States Government, (۲۰۰۹), Missile Technology Control RegimeAnnex and Handbook, [HTTP://MTCR.INFO](http://MTCR.INFO)

۳۸- Walker, Kirk D, (۲۰۱۶), Missile Technology Control Regime Guidelines and Control List, International Nonproliferation Export Control Program (INECP), National Nuclear Security Administration.

۳۹- B. Ramachandra\, R. Nageswara Rao, (۲۰۱۶),”RPLC determination ofthree antiretroviral drugs: atazanavir, efavirenz and saquinavir in bulk drugsubstances, Proceedings of National Seminar on Modern Trends inChemistry Research.

۴۰- Arka Biswas (۲۰۱۶), Locating India within the Global Non-ProliferationArchitecture: Prospects, Challenges and Opportunities,arkabiswas@orfonline.org.

۴۱- Christie, Alisa, (۲۰۱۶), How to launch small payloads”, University ofStrathclyde, strathprints@strath.ac.uk

۴۲- Kumar, Rajeev, (۲۰۱۶), MTCR, NSG and India-China ProcrastinationMatrix”, CENTRE FOR LAND WARFARE STUDIES (CLAWS), www.claws.in

۴۳- Singhal, Ankur, (۲۰۱۶), what are MTCR and NSG, and why does India want to be their part, ۱۰/۶/۲۰۱۶, <http://indianexpress.com/article/explained/narendra-modi-us-visit-mtcr-nsg-obama-us-congress-۲۸۴۴۱۸۶/>

۴۴- McIntyre, Stuart, West, Michael, (۲۰۱۶-۱۷), A commercially driven design approach to UK future small payload launch systems”, British Interplanetary Society with permission.